

تا ابد اندوه

دلایل سوگواری شیعیان در ایام فاطمیه

به اهتمام: سید مجتبی موسوی راد

با همکاری: علی لباف

موسوی راد، سید مجتبی، ۱۳۵۴
تا ابد اندوه: دلایل سوگواری شیعیان در ایام فاطمیه / نویسنده: سید
مجتبی موسوی راد؛ تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۴.
۲۴ ص.
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه به صورت زیر نویس.
۱. فاطمه زهرا علیها السلام، ۸ قبل از هجرت - ۱۱ ق. احادیث. ۲. فاطمه زهرا علیها السلام،
۸ قبل از هجرت - ۱۱ ق. مصائب. ۳. امامت. الف. عنوان.
ش ۷ / ۲ / ۲۷ BP ۲۹۷ / ۹۷۳
کتابخانه ملی ایران
۴۲۲۲۵ - ۸۳ م



شابک ۶-۶۵-۷۹۶۵-۹۶۴ ISBN 964 - 7965 - 65 - 6

تا ابد اندوه

مؤلف: سید مجتبی موسوی راد
با همفکری: علی لباف
ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر
حروفچینی و صفحه آرایی: شبیر
نوبت چاپ: سوم / ۱۳۸۷
شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه
چاپ: زنبق

دفتر مرکزی: خیابان مجاهدین، چهارراه آبسردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹ تلفن و فاکس: ۷۷۵۲۱۸۳۶ (خط ۶)
فروشگاه: خیابان ایران، خیابان مهدوی پور، پلاک ۵۶/۲ تلفن: ۳۳۵۶۶۸۰۱ (خط ۴) همراه ۷۵۲۱۸۳۶ (۰۹۳۵)

وب سایت: <http://www.monir.com>

پست الکترونیک: info@monir.com

دیگر مراکز پخش: پخش آینه ۳۳۹۳۰۴۹۶ * نشر نیک معارف ۶۶۹۵۰۰۱۰ * نشر رایحه ۸۸۹۷۶۱۹۸

۹۰۰ تومان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



تا ابد اندوه

دلایل سوگواری شیعیان در ایام فاطمیّه

- گفتار یکم: مهرورزی به اهل بیت علیهم السلام، برترین توصیه رسول خدا صلی الله علیه و آله ۷
- مقدمه ۷
- آخرین وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله ۸
- بهترین امت من ۸
- دشمنی با رسول خدا صلی الله علیه و آله ۹
- یک پیمان نجات بخش ۹
- آزمون دشوار ۱۰
- پایه و شروع مسلمانی ۱۰
- یکی از چهار سؤال ویژه روز جزا ۱۰
- ضابطه شفاعت ۱۱
- گفتار دوم: حضرت زهرا علیها السلام، برترین مصداق اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله ۱۳
- روشن تر از آفتاب ۱۳

- ۱۴ اعتراف زمخشری
- ۱۵ گفتار سوم: سوگواری در ایام فاطمیه، نماد مهرورزی به حضرت زهرا علیها السلام
- ۱۵ چرا ماتم؟
- ۱۶ نمونه اول: گریه حضرت یعقوب علیه السلام بر فرزندش یوسف علیه السلام
- ۱۸ نگاه امام سجاد علیه السلام از زاویه ای دیگر
- ۲۰ نمونه دوم: گریه رسول خدا صلی الله علیه و آله بر عمویش حمزه
- ۲۲ نمونه سوم: حزن حضرت علی علیه السلام در سوگ حضرت فاطمه علیها السلام
- ۲۳ نمونه ای از مجالس فاطمی در قرن ۶ هجری

گفتار یکم

مهرورزی به اهل بیت علیهم السلام،
برترین توصیه رسول خدا صلی الله علیه و آله

مقدمه

رعایت حقوق اهل بیت پیامبر علیهم السلام، در میان تمام توصیه‌های نبوی، جایگاهی ویژه را به خود اختصاص داده است. از این رو، «مهرورزی به اهل بیت علیهم السلام» به عنوان بارزترین مصداق رعایت حقوق ایشان، از اهمیت بی نظیری برخوردار گشته است. از سوی دیگر، محبت و مودت به اهل بیت علیهم السلام - که هم عقیده است و هم عمل - از پشتوانه روایی مستحکمی در میان منابع حدیثی شیعه و سنی بهره‌مند می‌باشد.

این احادیث - که به تواتر معنوی^۱ نقل شده‌اند - بر اهمیت و جایگاه «محبت و مودت به اهل بیت علیهم السلام» تأکید ویژه‌ای ورزیده‌اند. توصیه‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله به رعایت حقوق اهل بیت علیهم السلام از یک سو، و احادیث حاکی از منزلت والای مهرورزی به اهل بیت علیهم السلام از سوی دیگر، موجب گردیده تا «محبت و مودت به اهل بیت علیهم السلام» مورد توجه ویژه پیروان راستین اسلام قرار گیرد.

۱ - تکرار یک پیام در احادیث متعدد.

آخرین وصیت رسول خدا ﷺ

آخرین مطلبی که رسول خدا ﷺ بیان فرمودند این بود که: شما نیز روش مرا درباره اهل بیتم به کار گیرید.^۱ وصیت، علاوه بر این که نشان‌گر اهمیت موضوع است، از پیوند قلبی و روحی فرد با آن موضوع نیز، خبر می‌دهد و این، خود دلیلی بر بلندی جایگاه «حب اهل بیت ﷺ» در دیدگاه رسول خدا ﷺ است.

بهترین امت من

رسول خدا ﷺ فرمودند: بهترین شما، بهترینتان برای اهل بیت من، پس از من است.^۲ این معیار روشن و صریح، خطی است که مرز خیر و شر را تعریف می‌کند و ملاک اصلی نکویی را «خوبی کردن به اهل بیت رسول خدا ﷺ» می‌داند.

۱ - فضائل الخمسة من الصحاح الستة، جلد ۲، صفحه ۷۱؛ به نقل از: مجمع الزوائد، جلد ۹، صفحه ۱۶۳؛ صواعق المحرقة، صفحه ۹۰ و صفحه ۱۳۶.
 احقاق الحق، جلد ۹، صفحه ۴۴۷ به بعد؛ به نقل از: ینابیع المودّة؛ ارجح المطالب.
 ۲ - فضائل الخمسة من الصحاح الستة، جلد ۲، صفحه ۷۱؛ به نقل از: فیض القدير، جلد ۳، صفحه ۴۹۷.
 احقاق الحق، جلد ۹، صفحه ۴۴۶ به بعد؛ به نقل از: صواعق المحرقة؛ مجمع الزوائد؛ ارجح المطالب.
 جای تأسف است که آن چه در منابع مذکور آمده، در چاپ‌های جدید همان کتب و یا در لوح‌های فشرده مربوط، غالباً حذف شده است و بدین ترتیب، سندی دیگر بر مظلومیت اهل بیت ﷺ رقم خورده است.
 برای نمونه: ر.ک: موسوعة الحديث الشريف، اصدار الاوّل، ۱۹۹۱ - ۱۹۹۶، احدی شرکات المجموعة العالمیة.

اگرچه، تنها گروه اندکی این گونه سفارش‌ها را جدّی گرفته‌اند؛ اما رسول خدا ﷺ، بر آن توصیه‌ی اکید فرموده‌اند. نمونه‌ی دیگر از این وصایا، حدیث ذیل است:

دشمنی با رسول خدا ﷺ

رسول اکرم ﷺ فرمودند: توصیه‌ی «نیکی به اهل بیتم» را بپذیرید، چرا که فردا (قیامت)، شما را در این زمینه بازخواست می‌کنم و [در آن روز] هر که من با او [به دلیل کوتاهی‌اش در نیکی به اهل بیتم] خصومت کنم، در آتش داخل می‌شود.^۱

این بیان ارزشمند و به راستی تکان دهنده، نه وعده، که وعیدی است بی‌پرده و گویا! آری، جهنّم - که آتش قهر خداست - کسانی را می‌سوزاند که به فرموده‌ی رسول خدا ﷺ، توصیه‌ی او درباره‌ی اهل بیتش را جدّی نمی‌گیرند.

در بسیاری از موارد نیز، رسول خدا ﷺ، پیروان و دوستداران اهل بیت ﷺ را وعده داده‌اند و به عاقبتی نیکو امیدوار ساخته‌اند.

یک پیمان نجات بخش

پیامبر خدا ﷺ فرمودند: هر کس حقّ مرا در مورد اهل بیتم حفظ و رعایت کند، همانا در نزد خداوند، قرار و پیمانی را به دست آورده است.^۲

۱ - فضائل الخمسة من الصحاح الستة، جلد ۲، صفحه ۷۱؛ به نقل از: ذخائر العقبی، جلد ۲، صفحه ۵۵۲؛ صواعق المحرقة، صفحه ۹۰؛ نور الابصار شبلنجی، صفحه ۱۰۳.

۲ - فضائل الخمسة من الصحاح الستة، جلد ۲، صفحه ۷۲؛ به نقل از: ذخائر العقبی، صفحه ۱۸؛ صواعق المحرقة، صفحه ۹۰.

برخی از احادیث نیز، هشدارها و آماده باش‌هایی هستند که مسلمانان را به آنچه روی خواهد داد، توجّه می‌دهند؛ تا ایشان، با چشمانی بازتر و دیدی ژرف‌تر، قدم در راه پیروی از رسول خدا ﷺ بگذارند. حدیثی که در ذیل آورده‌ایم، نمونه‌ای از این دسته احادیث است:

آزمون دشوار

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: همانا شما، بعد از من، دربارهٔ اهل بیت، یقیناً آزموده خواهید شد!^۱

پایه و شروع مسلمانی

هر چیزی دارای بنیان (یا شروعی) است و بنیان (یا شروع) اسلام، محبت ما اهل بیت ﷺ می‌باشد.^۲ و^۳

یکی از چهار سؤال ویژهٔ روز جزا

رسول اکرم ﷺ فرمودند: قدم‌های هیچ بنده‌ای در روز قیامت نخواهد جنبید مگر آن که از چهار چیز، مورد پرسش قرار گیرد:

اول آن که عمر خویش را در چه چیز فنا کرد، دوم این که بدنش را در چه راهی فرسوده ساخت، سوم آن که مالش را

۱ - فضائل الخمسة من الصحاح الستة، جلد ۲، صفحه ۷۱؛ به نقل از: فیض القدير، جلد ۲، صفحه ۵۵۳.

۲ - فضائل الخمسة من الصحاح الستة، جلد ۲، صفحه ۷۷؛ به نقل از: كنز العمال، جلد ۶، صفحه ۲۱۸، جلد ۷، صفحه ۱۰۳.

۳ - احقاق الحق، جلد ۹، صفحه ۴۰۸؛ به نقل از: لسان الميزان، جلد ۵، صفحه ۳۸۰ (طبع: حیدرآباد).

دلایل سوگواری شیعیان در ایام فاطمیّه * ۱۱

در چه مسیری صرف کرد و از چه مسیری به دست آورد و چهارمین سؤال، درباره «حبّ اهل بیت علیهم السلام» خواهد بود!^۱

ضابطه شفاعت

رسول خدا ﷺ فرمودند: پای‌بند و ملازم دوستی با اهل بیت باشید، پس هر که خداوند را ملاقات کند، در حالی که دوستدار ما خاندان باشد، به وسیله شفاعت ما، داخل در بهشت خواهد شد.^۲

۱ - احقاق الحق، جلد ۹، صفحه ۴۰۹؛ به نقل از: مجمع الزوائد، جلد ۱۰، صفحه ۳۴۶ (طبع: قاهره).

عالم‌گرنقدر مرحوم قاضی نورالله شوشتری این روایت را در جلد نهم کتاب شریف احقاق الحق از منابع متعددی از عامه، از جمله «مناقب ابن مغزلی»، «ینابیع الموده»، «فرائد السمطين» نیز نقل کرده است.

۲ - فضائل الخمسة من الصحاح الستة، جلد ۲، صفحه ۷۹؛ به نقل از: مجمع الزوائد، جلد ۹، صفحه ۱۷۲.

احقاق الحق، جلد ۹، صفحه ۴۲۸؛ به نقل از: صواعق المحرقة؛ ینابیع الموده.

گفتار دوم

حضرت زهرا علیها السلام،

برترین مصداق اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله

روشن تر از آفتاب

بعضی مسایل به قدری واضح و روشن اند که مثل آفتاب، خود دلیل اثبات خویشند. شاید دلیل جویی برای این گونه مسایل، تعجب انگیز و دور از ذهن باشد و حتی اقامه برهان برای اثبات آن موضوع، نه تنها بی فایده، بلکه مضر نیز بنماید. مسئله مورد بحث ما نیز از همین قبیل است.

نبی مکرم صلی الله علیه و آله، بارها و بارها، به بهانه های گوناگون، اهل بیت خویش را معرفی فرموده اند. سراسر تاریخ زندگانی رسول خدا صلی الله علیه و آله، پیوسته شاهد صحنه های معرفی این خانواده است. جای هیچ تردیدی نیست که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام، سیده نساء حضرت زهرا علیها السلام، حسنین علیهما السلام [و سپس، نه امام معصوم از فرزندان امام حسین علیه السلام]، همان خانواده ای هستند که رسول خدا صلی الله علیه و آله به عنوان اهل بیت خویش معرفی فرموده است.^۱

۱- این مسئله با ادله تاریخی و روایی بسیار، در جایگاه خویش به اثبات رسیده است.

اعتراف زمخشری

زَمَخْشَرِي، مفسّر بزرگ اهل سنت، ذیل آیه بیست و سوم از
سوره شوری^۱ چنین می نویسد:

تردیدى نیست که وابستگی و ارتباطِ فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ، علی عَلَيْهِ السَّلَامُ،
حسن عَلَيْهِ السَّلَامُ و حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ با رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، شدیدترین و
محکم ترین روابط است و این یقین، مانند یقینی است که
در مورد نقل متواتر^۲ وجود دارد.
بنابراین ضروری است که ایشان را، همان «آل» رسول الله
بدانیم.^۳

اشاره زمخشری به بحث تواتر، همان نکته مورد نظر ما در مثال
روشنی آفتاب است. این تواتر، به بیان های گوناگون در کتب تاریخی
جلوه کرده است و با اندکی جست و جو قابل دسترسی است.
حال که با استناد به سیره و سنت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ
را یکی از اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می دانیم؛ نتیجه می گیریم:
یکی از مصادیق بارز «مودت به اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ»، مهرورزی به
حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ خواهد بود.

۱- برای نمونه، ر.ک: تاریخ کبیر بخاری، جلد ۹، صفحه ۲۶؛ مستدرک حاکم، جلد ۲، صفحه ۴۱۶؛ صحیح مسلم، جلد ۷، صفحه ۱۳۰.

۱- قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى.

۲- قطعی، یقینی و تردیدناپذیر.

۳- فضائل الخمسة من الصحاح الستة، جلد ۲، صفحه ۷۹؛ به نقل از: الکشاف، ذیل آیه
۲۳ شوری. (بحار الانوار، جلد ۲۳، صفحه ۲۳۴؛ به نقل از: الکشاف، جلد ۴، صفحه ۱۷۳)

گفتار سوم

سوگواری در ایام فاطمیّه،

نمادِ مهرورزی به حضرت زهرا علیها السلام

چرا ماتم؟

سوگواری و عزاداری در ماتم فقدان عزیزان، از دیرباز، در همه فرهنگ‌ها و در میان همه اقوام، از جایگاهی ویژه برخوردار بوده است.

«تاریخ حیات انسان» نیز این آیین و نمادهای مربوط با آن را به خوبی حفظ نموده است.

عزاداری و سوگواری را می‌توان جلوه‌ای از «ارتباط عاطفی و پیوند روحی افراد با یکدیگر» تفسیر نمود و ریشه‌های آن را در احساس پاک انسان‌ها جستجو کرد.

دین اسلام نیز بر این واکنش طبیعی بشر، مهر تأیید زده است که نمونه‌های آن را می‌توان در آیات قرآن کریم، سنت و سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله به وضوح مشاهده نمود.

نمونه اول: گریه حضرت یعقوب علیه السلام بر فرزندش یوسف علیه السلام

یکی از داستان‌های قرآن، ماجرای حضرت یوسف علیه السلام است. این داستان پُر فراز و نشیب، جریان زندگی دو تن از پیامبران الهی را نقل می‌کند و از میزان علاقه و محبت این دو بزرگوار به یکدیگر و مشکلات ایشان در این مسیر، سخن می‌گوید.

یوسف علیه السلام، به چاه حسادت برادران گرفتار می‌شود و بین او و پدرش یعقوب علیه السلام، مفارقت و جدایی می‌افتد.

سال‌ها می‌گذرد و این فراق به درازا می‌کشد و بار اندوه بر شانه‌های پدر سنگینی می‌کند.

یعقوب علیه السلام آن قدر می‌گرید که کارش به نابینایی می‌انجامد. برادران یوسف علیه السلام، به نشانه اعتراض، او را از مرگ در سوگ فرزند بیم می‌دهند.

آیات کتاب خدا، این بخش از ماجرا را بیان می‌فرماید:

﴿حضرت یعقوب علیه السلام [پس از آن که برادران یوسف علیه السلام ماجرای بنیامین را برایش نقل کردند] گفت: اوهام و گمان‌های نفس به شما چیره شده و جلوه نموده است. پس من باز هم صبری نیکو را پیش می‌گیرم؛ امید است که خداوند ایشان را به من بازگرداند که او دانا و درست کردار است. آن‌گاه یعقوب علیه السلام از ایشان روی گردانید و گفت: وا أسفا بر یوسف، و از شدت حزن (و گریه‌های فراق) بر یوسف، چشمانش سپید گشت، در حالی که درد خویش را فرو می‌خورد. فرزندانش به او گفتند: آن‌قدر یوسف یوسف می‌کنی که یا از غصه فراقش بیمار می‌شوی و یا خود را هلاک می‌کنی. یعقوب علیه السلام گفت: من شکایت خود را در غم و اندوه او به پیشگاه خدا می‌برم و درباره خداوند چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید.﴾^۱

می‌بینیم که یکی از فرستادگان خداوند، به خاطر فراق و جدایی فرزند خویش، چطور می‌سوزد و می‌گدازد و سرانجام، آن قدر می‌گرید که چشمانش نابینا می‌شوند.

این سوز و گداز، تا بدان جا می‌رسد که فرزندانش به او می‌گویند، بالاخره تو یا بیمار می‌شوی و یا خود را هلاک می‌کنی. جالب این است که بر اساس بیان برخی روایات، به خواست الهی، در مقطع زمانی خاصی، حضرت یعقوب علیه السلام نمی‌دانست که یوسف علیه السلام زنده است یا مرده؛ و لذا، بخشی از گریه‌ها و غصه‌های او، در حقیقت «سوگواری بر مرگ عزیزان» محسوب می‌گردد.^۲

۱- یوسف: ۸۳-۸۶.

۲- ر.ک: تفسیر مجمع البیان، جلد ۵، صفحه ۲۵۷-۲۵۸.

نگاه امام سجّاد علیه السلام از زاویه‌ای دیگر

اهل بیت علیهم السلام، جریان «فراق یوسف علیه السلام و گریستن یعقوب علیه السلام» را از زاویه‌ای دیگر نگریسته‌اند.

ایشان برداشتی مستدل و عاطفی را درهم آمیخته و به خوبی، «دلایل عزاداری بر اهل بیت علیهم السلام» را تبیین نموده‌اند.

از جمله آن موارد، روایتی از امام سجّاد علیه السلام است. چنان که می‌دانید، آن بزرگوار، پس از واقعه عاشورا به هر بهانه‌ای محزون و دل‌شکسته می‌شدند و غم، وجود مبارکش را فرا می‌گرفت و اشک از چشمان ایشان جاری می‌گشت.

یکی از دفعاتی که اطرافیان دلیل این همه بی‌تابی را از ایشان جویا شدند، آن حضرت علیه السلام فرمودند:

آیا شما از گریه و سوگواری یعقوب علیه السلام بی‌خبرید؟! او سالیان دراز در فراق فرزندش گریست، تا این که بینایی‌اش را از دست داد، در حالی که فرزندش زنده بود و فقط از مقابل دیدگانش ناپدید گشته بود.

أَمَا مِنْ بَا عِشْمَانِ خُودِ دِيدِمْ كِه پَدْرَمْ وَ هَفْدَه نَفْرَازِ اَهْلِ بَيْتِ
بِيَامْبَرِ عَلَیْهِ السَّلَامُ رَا شَهِيدِ كَرْدَنْدْ وَ سِرَازِ تَنْشَانِ جَدَا سَاخْتَنْدْ!^۱
این استدلال دقیق، به بزرگی مصائب اهل بیت علیهم السلام استناد می کند
و با توجه به ماجرای حضرت یعقوب علیه السلام، عزاداری در مصائب
اهل بیت علیهم السلام را امری کاملاً بدیهی و طبیعی، قلمداد می نماید.

حال سؤال این است که آیا اگر به جز گریه های شبانه روزی
یعقوب علیه السلام، هیچ دلیل دیگری برای گریه و اندوه در «غم فقدان
عزیزانمان» نداشتیم، باز هم مطلوب ما حاصل نمی شد و حَقَائِیْتِ
شیعیان در گریستن و اندوه بی پایانشان^۲ بر حضرت فاطمه علیه السلام به
اثبات نمی رسد؟

۱- وسائل الشیعه، جلد ۲، صفحه ۹۲۳، بَابُ جَوَازِ الْبُكَاءِ عَلَی الْمَيِّتِ.

۲- زمخشری می نویسد:

حضرت یوسف علیه السلام از حضرت جبرئیل، مدت گریه و اندوه پدر و اجر این گریه را پرسید.
آن ملک مقرب چنین پاسخ فرمود که مدت این اندوه و گریه هفتاد سال و پادشاه آن به قدر
پادشاه هفتاد شهید است!

تفسیر الکشاف، جلد ۲، صفحه ۴۹۷؛ تفسیر کبیر فخر رازی، جلد ۱۸، صفحه ۱۹۳.

نمونه دوم: گریه رسول خدا ﷺ بر عمویش حمزه

جنگ أحد، یکی از جنگ‌های مهم و پر مخاطره صدر اسلام است. در این غزوه، مسلمانان - که پیروزی مسلم را به دست آورده بودند - به خاطر اشتباه بزرگ گروهی اندک، دچار شکست شدند. این گروه که - به امر نبوی - باید گذرگاه پشت کوه أحد را می‌بستند، به طمع غنیمت، از جایگاه خویش حرکت کردند و دشمن، با استفاده از این فرصت، از پشت به مسلمانان حمله ور شد و ایشان را غافلگیر ساخت.

این شکست، منجر به شهادت بسیاری از یاران رسول خدا ﷺ و صدمه رسیدن به اکثر مسلمانان و حتی شخص رسول خدا ﷺ و حضرت علی رضی الله عنه شد.

اما، بزرگترین شهید این جنگ، بی‌شک، حمزه، عموی رشید رسول خداست.

او سرداری شجاع و غیور بود و همواره از رسول خدا ﷺ پشتیبانی می‌نمود.

حمزه علیه السلام از احترام ویژه‌ای در میان قریش برخوردار بود و از افتخارات اسلام به حساب می‌آمد.

پس از آن که جنگ احد به پایان رسید، هند، همسر ابوسفیان - که کینه‌ای بی اندازه از حمزه علیه السلام به دل داشت - به رسم جاهلیت، بدن آن شهید را مُتله^۱ کرد.

شهادت حمزه، و رفتار وحشیانه هند، قلب مسلمانان و به ویژه رسول خدا صلی الله علیه و آله را بسیار آزرده ساخت.

کاتبان تواریخ چنین نوشته‌اند که وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله از نزدیکی خانه‌های انصار گذشتند و صدای شیون و نوحه زنان و دختران انصار برای شهدای خویش را شنیدند، چشمان مبارکشان پر از اشک شد و فرمودند:

أما حمزه، هیچ گریه کننده‌ای ندارد!!^۲

ابن مسعود می‌گوید: هیچ‌گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله را در شدت گریه، مانند گریه‌اش بر حمزه علیه السلام ندیدیم.

او را در قبله قرار داد، سپس بر جنازه‌اش ایستاد و آن قدر گریست و نوحه کرد، تا غش کرد و چنین می‌فرمود:

ای عموی رسول خدا و شیر خدا و شیر رسول خدا!

ای حمزه! ای انجام دهنده نیکی‌ها،

ای حمزه! ای برطرف کننده گرفتاری‌ها و غم‌ها!

ای پناه و محافظ! ای دور کننده خطرات از رسول خدا!^۳

۱ - پاره پاره کردن بدن.

۲ - مستدرک حاکم، کتاب الجنائز، جلد ۱، صفحه ۳۸۱.

۳ - سیره الحلبیه، جلد ۲، صفحه ۶۰، حوادث جنگ احد.

نکته قابل توجه در این نقل، آن است که رسول خدا ﷺ به قدری در سوگ حمزه می‌گریند که به حال بی‌هوشی و غش^۱ می‌افتند.

اینک بار دیگر می‌پرسیم: آیا اگر به جز سنت رسول خدا ﷺ، هیچ‌الگوی دیگری برای عزاداری «در مرگ جانسوز عزیزانمان» نداشتیم، باز هم مطلوب ما حاصل نمی‌شد؟
 آیا حقیقت شیعیان در سوگواری و عزاداری بر مصائب و رنج‌های حضرت زهرا علیها السلام به اثبات نمی‌رسید؟

نمونه سوم: حزن حضرت علی علیه السلام در سوگ حضرت فاطمه علیها السلام
 حضرت علی علیه السلام پس از دفن شبانه و مخفیانه حضرت زهرا علیها السلام خطاب به رسول خدا ﷺ عرضه داشتند:
 پس از این، اندوهم ابدی است و شب‌هایم در این غم،
 با بیداری سپری خواهد شد.^۲

۱- مشابه این بیان در سایر کتب نیز دیده می‌شود؛ ر.ک: شرح مسند ابی حنیفه (ملا علی قاری)، صفحه ۵۲۶؛ ذخائر العقبی، صفحه ۱۸۱.

۱- ثُمَّ وَقَفَ عَلٰی جَنَازَتِهِ وَاتَّخَبَ حَتّٰی نَشَقَّ.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۲۰۲؛ اصول کافی، جلد ۱، صفحه ۴۵۸؛ امالی شیخ مفید، صفحه ۲۸۱؛ امالی شیخ طوسی، جلد ۱، صفحه ۱۰۷ (طبع: نجف)؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید معتزلی، جلد ۱۰، صفحه ۲۶۵؛ کشف الغمه، جلد ۱، صفحه ۵۰۴.

نمونه‌ای از مجالس فاطمی در قرن ۶ هجری

ابن حَجَر عَسْقلانی (وفات ۸۵۲ قمری) در شرح حال «محمد بن عبدالله واعظ بلخی، متوفای ۵۹۶ قمری» از قول فردی به نام «علی بن محمود» نقل می‌کند که گفت:

یک مرتبه در مجلس سخنرانی واعظ بلخی حاضر شدم.

او [به زبان حال و در مقام ذکر مصیبت] می‌گفت:

«روزی از روزها، فاطمه علیها السلام گریست. پس علی علیه السلام رو به وی

نمود و گفت: چرا در نزد من گریه می‌کنی؟! مگر من بودم که

اموال تو را گرفتم و حق تو را غصب کردم؟!!

مگر من بودم که با تو "چنین و چنان" کردم؟!!

و در آن مجلس، واعظ بلخی مواردی را به جای "چنین و

چنان" بر شمرد که شیعیان^۱ بر این باورند که ابوبکر و عمر

در حق فاطمه علیها السلام روا داشته‌اند. پس صدای گریه شیعیان

حاضر در آن مجلس، به آه و فغان بلند گردید.^۲

۱ - به دلیل تعصب مذهبی ابن حجر، به جای «شیعیان» از واژه «رافضیان» استفاده شده است.

۲ - لسان المیزان، جلد ۵، صفحه ۲۱۷-۲۱۸ (چاپ: علمی، بیروت).

هرچند اظهار شده:

«... و تا چند سال قبل اصلاً از این همه مراسم سوگواری و عزاداری فاطمیه خبری نبود، چه شد که یک هو، شما هوس ایام فاطمیه کردید و شهادت آن بزرگوار بیادتان آمد؟!»^۱

آنچه در این نوشتار ملاحظه فرمودید، پاسخی کوتاه و گویا به پرسش فوق می باشد.

۱ - شب‌نامهٔ اهل سنت سیستان به مناسبت فاطمیهٔ ۱۳۸۷ با عنوان «دعوت به وحدت»،